



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاسیس ۱۳۸۴

به لرزالی اب و روشنی آینه

منتقدان و نویسندگان به این شعرها دارند و دوم به این دلیل که خود اخوان نیز اکثر شعرهای نیمایی اش را به شعرهای کهن شیوه‌اش ترجیح داده است و دلیل سوم، اینکه قریب به اتفاق سنت شکنیها و نوآوریهای زبانی اخوان در همین اشعار نیمایی او نمود یافته است. (ص ۴) مجموعه‌های شعری که در این کتاب بررسی شده‌اند، عبارت‌اند از: زمستان، آخر شاهنامه، از این اوستا، در حیاط کوچک پاییز در زندان، زندگی می‌گوید اما باز باید زیست...، دوزخ اما سرد.

همین جا بی‌مناسبت نیست اشاره کنیم اگر نویسنده - به‌رغم دلایلی که در بالا عنوان شد - به بررسی اشعار سنتی اخوان هم با همین دید و نگرش می‌نگریست، مسلماً ارزش کار خویش را چندین برابر

همزمان با سیزدهمین سال درگذشت شاعر بزرگ معاصر، راوی قصه‌های رفته از یاد، مهدی اخوان ثالث (م، امید)، شاهد چاپ اثری هستیم که به نقد و تحلیل زبان شناختی اشعار این شاعر برجسته و حماسه سرای معاصر ایران پرداخته است.

از زلال آب و آینه* (تأملی در شعر اخوان ثالث)، که در سال ۱۳۷۹ به عنوان پژوهش برتر فرهنگی خراسان انتخاب شده، ضمن بررسی زبان شناختی و نیز زیبایی شناختی اشعار نیمایی اخوان، بر آن است که مشخصات و ویژگیهای زبانی و سبکی این شاعر را دقیق‌تر و بهتر بشناساند.

نویسنده در مقدمه عنوان می‌دارد که به سه دلیل در این اثر تنها به بررسی اشعار نیمایی اخوان پرداخته است: اول به دلیل توجه خاصی که



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
جامعه علامه آملی



محسن افکاری

می شود. نویسنده، خیلی مختصر - اما مفید - با آوردن سالشمار زندگی اخوان، دیگر از تکرار مکررات درباره شرح احوال او صرف نظر می کند و برای پر کردن صفحه و حجیم کردن کتاب، به تذکره نویسی - آن هم از روی مطالب دیگران - دست نمی یازد. میزبان کتاب را در دوازده فصل تقسیم بندی کرده است. در فصل اول با عنوان «درآمدی بر زبان شعر» به بحث درباره کارکرد زبان در شعر و کلاً ساختار شعر می پردازد؛ البته با بیان آرای کسانی چون: شفیع کدکنی، حق شناس، آشوری، پورنامداریان، صفوی، بارت، رامان سلدن و... از مطالب قابل توجه در این فصل بحث «شعر کانکریت» یا «تجسمی» (Concrete vers) است که از این نوع شعر یا عنوان «هنجارگریزی نوشتاری» نیز یاد می شود. نمونه ای که نویسنده از اخوان می آورد این گونه است (صص ۱۹-۱۸):

می نمود؛ چرا که اخوان ثالث در سرودن اشعار سنتی نیز به گواه آثارش شاعری متبحر و برجسته بود.
کتاب با یک پیش درآمد و سالشمار زندگی و آثار اخوان ثالث آغاز

نگه‌ار زمین

چوین

در این

پایین

(از این اوستا، ص ۷۵)

که شاعر مفهوم «پایین» آمدن را در شکل نوشتاری نیز (به صورت پلکان) مجسم کرده است.

در فصل سوم با عنوان «سبک و زبان شعری اخوان» خصیصه‌های شعری اخوان نشان داده شده است.

نویسنده در این فصل عنوان می‌دارد که: «اگر زبان جدید و درعین حال تمیازی اخوان را که از نیمه‌های مجموعه «زمستان» شروع می‌شود، در مرکز مثلثی قرار دهیم اضلاع سه گانه این مثلث را همانا زبان و سبک خراسانی یا کلاسیک، زبان رایج امروزی و زبان نیمایی تشکیل می‌دهند.» و بعد به شرح و توضیح درباره این سه ضلع زبانی شعر اخوان می‌پردازد و دو ویژگی شاخص شعر اخوان، یعنی «زبان و بیان حماسی» و «شیوهٔ روایی» را به طور جداگانه و مفصل بر می‌کشد.

در فصل سوم، زیر عنوان «باستانگرایی» به کاربرد باستانی و آرکائیک زبان شعر اخوان می‌پردازد. از آنجا که اخوان - در میان شاعران معاصر - بیش از همه با جلوه‌های گوناگون ادب و فرهنگ کهن فارسی و حتی عربی آشنایی دارد (به گواه آثار شعری و نثری اش)، از آنها تأثیر بسیاری نیز پذیرفته که در شعرش نمود خاصی یافته است. به همین دلیل، نویسنده از زلال آب و آینه «اخوان» را به عنوان برجسته‌ترین شاعر باستانگرایی شعر نیمایی» (ص ۵۴) به حساب می‌آورد. نکته‌ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که نویسنده گرچه بسیاری از شاخصه‌های باستانی و آرکائیک شعر اخوان را بررسی کرده و نشان داده است، اما به نظر می‌رسد که هنوز جای بحث هست و در بخشی که با عنوان «سایر موارد باستانگرایی» آورده، خیلی به اختصار سخن گفته است و می‌توانست نمونه‌های بیشتری را بیاورد.

نویسنده در فصل چهارم با عنوان «کاربرد واژه‌ها و ترکیب‌ها» به یکی از شاخصه‌های اصلی شعر اخوان اشاره و آن را تحلیل و بررسی می‌کند. این فصل از کتاب، که تقریباً مفصل هم هست، بسیار جالب و خواندنی است، چرا که بسیاری از واژه‌ها و ترکیب‌های زیبا و بساخته اخوان از حیث زبانی و زیبایی شناختی تحلیل و بررسی می‌شوند. واژه‌های بکر و بدیعی که از ذهن ترکیب ساز و خلاق اخوان تراوش کرده و بر زبان شعر جاری شده است. واژه‌هایی چون: دشنامباران، مرگوم، شورخند، بودابود، خندستان، تاریک ژرف، تاریک خون، روزگار آلود، گامخواره، لعن زار، آسمان کوب، احضار و... همچنین ذکر پسوندهایی که خود سبب ساخت

واژه‌های برجسته شده‌اند مانند: آباد (مزار آباد)، آذین (فرنگ آذین)، بار (غمبار)، زار (فرامشزار)، ساز (فرداساز)، فام (ابنوس فام) و... از آنجا که نویسنده فقط نمونه‌ای عمل کرده، برخی واژه‌های زیبای دیگر اخوان تحلیل نشده - گرچه از آنها فقط یاد شده است - و اگر آنها نیز مورد نقد و تحلیل قرار می‌گرفت این فصل خیلی کامل و وزین می‌گشت. در فصل پنجم کتاب با عنوان «کاربردهای خاص صفت» به بحث دربارهٔ ساختمانهای گوناگون «صفت» پرداخته شده است. نویسنده معتقد است که بررسی مقوله «صفت» و کاربردهای خاص آن در شعر اخوان، به این دلیل ارزشمند است که «برای شناخت ساختار زبان اشعار نیمایی او و چگونگی زیبایی آفرینی آنها، می‌تواند بسیار کارساز و راه‌گشا باشد» (ص ۱۰۳) همچنین بیان می‌دارد که: «در شعر اخوان به سبب روایی و توصیفی بودن، صفت، بسامد بسیار بالایی دارد.» (همان جا) یکی از کارهای ارزشمندی که نویسنده در این فصل - همانند سایر فصلها - انجام داده، این است که ابتدا دربارهٔ صحت مورد نظر به شرح و تحلیل می‌پردازد و نمونه‌هایی را در متن می‌آورد و در پایان گفتار خویش، در هر دفتر شعری، تمام موارد به کار رفته را نشان می‌دهد که این کار دست خواننده و دیگر تحلیل‌گران شعر اخوان را برای بررسی و تحلیل بیشتر یاز می‌گذارد و کار را آسان‌تر می‌سازد.

نویسنده در فصل ششم کتاب با عنوان «بیان متناقض نما (پارادوکس)» به یکی از ویژگی‌های ساختاری و زبانی شعر اخوان می‌پردازد که این ویژگی علاوه بر جنبه ساختاری و زبانی از جنبه محتوایی و معنایی نیز سبب نوعی آشنایی زدایی و برجستگی در کلام او شده و شعر اخوان را ریز و دلنشین ساخته است. این فصل نیز، گرچه خیلی مفصل نیست و می‌توانست بیش از اینها باشد اما در عین کوتاهی، جالب و خواندنی است. برخی از موارد متناقض نما که در شعر اخوان آمده و در این فصل می‌بینیم عبارت‌اند از: از نهی سرشار، شولای عربی، بخار بی‌بخاران، بصیرت خفته، دریای تشنه، سوی هیچ سو، ساز خاموشی، کران بی‌کران و...

نویسنده در این مبحث عنوان می‌دارد که: ذهن خلاق اخوان در ساخت ترکیب‌های متناقض نما خوب درخشیده و گویا این نوع بیانی، بر ذهن و زبان او خوش نشسته است. شاید یکی از دلایل اصلی را بتوان در تناقضها و تضادهای دانست که اخوان در جامعه روزگار خویش می‌دید است؛ همانهایی که باعث می‌شده او حتی در وطن خودش نیز غریب و تنها باشد (دست بردار از این در وطن خویش غریب) و اگر چه کسی از روی محبت، دست به سوی او دراز نمی‌کند، و اگر هم می‌کند، با اکراه است و نادلیخواه، اما «نجوای سکوت» او تا دورترین دورها سینه می‌افکند و «خاموشی مرگش پر از فریاد است».

در فصل هفتم، با عنوان «بیان محاوره‌ای» به یکی دیگر از شاخصه‌های زبان شعر اخوان پرداخته شده و تمامی نمونه‌های به کار رفته در دفترهای شعری او استخراج و ذکر گردیده است.

در فصل هشتم با عنوان «رابطه لفظ و معنا» نویسنده بیان می‌دارد که اخوان هم به رابطه میان لفظ و معنا (زبان و اندیشه) توجه خاصی داشته و با در آمیختن صحیح و هنرمندانه آن دو با یکدیگر، کلامی پر معنا و برخوردار از ساختی زیبا را ارائه کرده است. (ص ۱۲۸) بحث رابطه میان لفظ و معنا و نیز تقدم داشتن یکی بر دیگری، از جمله مباحث برجسته‌ای است که توجه بسیاری از زبان‌شناسان و منتقدین آثار ادبی را معطوف خویش ساخته است. به نظر می‌رسد به رغم تلاش ارزنده نویسنده در این بخش، اگر نمونه‌های بیشتری از شعر اخوان مورد بحث قرار می‌گرفت، مطلب کامل‌تر می‌شد.

در فصل نهم، با عنوان «جمع بستنهای غیرمعمول» به چگونگی

شعری اخوان را درآورده و فهرست نموده و در جنولی آنها را ذکر کرده که در خور تأمل و توجه است.

فصل بعدی کتاب با عنوان «قافیه» به نوعی مکمل فصل قبلی است. نویسنده در این بخش به شاخصه‌های شعر اخوان از جهت قافیه‌پردازی اشاره دارد و نمونه‌های برجسته و زیبایی آن را تحلیل و بررسی می‌کند. آخرین فصل کتاب با عنوان «کتابشناسی اخوان ثالث» یکی از فصلهای بسیار ارزشمند این اثر است؛ زیرا برای اولین بار، کتابشناسی اخوان این گوله کامل و خوب ارائه می‌گردد. این فصل شامل چهار بخش است: الف: کتابها و مجموعه‌های اخوان (۱- شعر؛ ۲- برگزیده اشعار؛ ۳- نثر)؛ ب: مقاله‌ها و مصاحبه‌های اخوان؛ ج: کتابها، مجموعه‌ها و رساله‌های دانشجویی درباره اخوان؛ د: مقاله‌ها، یادداشتها، نوشته‌های کوتاه و اشعار درباره اخوان، که می‌تواند برای پژوهشگران و منتقدان شعر معاصر و دیگر علاقه‌مندان بسیار سودمند باشد.



ساخت جمع در شعر اخوان پرداخته شده است و نویسنده عنوان می‌دارد که «پرکاربردترین علامت جمع در شعر اخوان، «ان» است که خود می‌تواند برگرفته از نکرش یا ستانگر ابانه او باشد.» (ص ۱۴۶)

در فصل دهم زیر عنوان «اوزان عروضی» بحث وزن در شعر اخوان بررسی شده است. در میان شاعران معاصر و مخصوصاً نوپرداز، اخوان جزو معدود کسانی بوده است که در علم عروض مطالعات دقیق و پرداخته‌ای داشته (ص ۱۵۲) و همچنین علاقه بسیاری به موسیقی، باعث شده عامل وزن در شعر او از برجستگی خاصی برخوردار شود؛ تا جایی که به گواه این اثر ما شاهد خلق اوزانی جدید از سوی اخوان هستیم. نویسنده در این فصل به طور کامل و وزن تمام مجموعه‌های

کتاب از جهت ساختار ظاهری و کیفیت چاپ نیز بسیار زیبا و ارزنده چاپ شده است. گرچه برخی کاستیها نیز در این اثر راه یافته، اما ارزش تحقیقی و پژوهشی بیش از اینهاست و به نظر می‌رسد یکی از آثار ارزشمندی است که تاکنون درباره شعر اخوان به نگارش درآمده است.

پانویسها:

* از زلال آب و آینه (تأملی در شعر اخوان ثالث)، جواد میزبان، نشر پایه و مشهد.

چاپ اول ۱۳۸۲.

عضویت علمی دانشگاه آزاد گیساران